

به نام خدا

آموزش
کتابخوانی

تالیف:

سجاد محمدی خرم آبادی
نوید محمدی خرم آبادی

۱۳۹۹

محمدی خرم‌آبادی، سجاد، ۱۳۷۵-
mohammady khoramabady, Sajad
آموزش کدال خوانی / تالیف سجاد محمدی خرم‌آبادی، نوید محمدی خرم‌آبادی.
شیراز: ادیب مصطفوی، ۱۳۹۹.
ص. ۵۶

۸-۴۰-۶۲۷۵-۶۲۲-۹۷۸

فیفا

سازمان بورس اوراق بهادار
Securities and Exchange Organization

سایت کدال

Codal Site

صورت‌های مالی -- ایران
Financial statements -- Iran

بورس -- ایران

Stock exchanges -- Iran

محمدی خرم‌آبادی، نوید، ۱۳۷۵-

mohammady khoramabady, Navid

HF۵۶۸۱

۶۵۷/۳

۶۱۸۰۶۷۱



انتشارات ادیب مصطفوی

آموزش کدال خوانی

سجاد محمدی خرم‌آبادی / نوید محمدی خرم‌آبادی

انتشارات ادیب مصطفوی

شیراز اسکندر (زهرا ثمردار)

شیراز اسکندر

چاپخانه مصطفوی

وزیری

۱۰۰۰ نسخه

اول ۱۳۹۹

۸-۴۰-۶۲۷۵-۶۲۲-۹۷۸

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

نام کتاب

نویسنده

ناشر

صفحه آرایشی و طراحی جلد

لیتوگرافی

چاپ و صحافی

قطع

تیراژ

نوبت چاپ

شابک

فهرست

فصل اول: سامانه کدال

۷	درباره سامانه کدال
۸	فرآیندهای سامانه کدال
۸	اهداف طراحی سامانه کدال
۸	مزایای سامانه کدال
۱۱	ناشران سامانه کدال
۱۲	اطلاعات با اهمیت سامانه کدال

فصل دوم: تجزیه و تحلیل صورت های مالی

۲۳	اصول حسابداری
۲۴	فرآیند حسابداری
۲۶	طبقه بندی مفاهیم عمومی حسابداری
۳۰	مفاهیم حاکم بر ترازنامه
۳۰	مفاهیم حاکم بر سود و زیان
۳۲	ترازنامه
۳۳	صورت حساب سود و زیان
۳۴	صورت جریان وجوه نقد
۳۵	تجزیه و تحلیل صورت های مالی
۳۵	روش های تجزیه و تحلیل صورت های مالی
۳۶	تجزیه و تحلیل با استفاده از نسبت های مالی
۳۶	نسبت های نقدینگی
۴۱	نسبت های فعالیت
۴۵	نسبت های سرمایه گذاری یا اهرمی
۴۸	نسبت های سود آوری
۵۱	نسبت های ارزیابی
۵۳	شاخص ورشکستگی آلنمن

فصل اول:

سامانه كدال

درباره سامانه کدال

طبق ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (مصوب آذرماه ۱۳۸۴)، «سازمان بورس و اوراق بهادار» در راستای حمایت از حقوق سرمایه گذاران و با هدف ساماندهی، حفظ و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار و به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون و بر اساس ماده ۷ همان قانون، اتخاذ تدابیر لازم جهت پیش گیری از وقوع تخلفات در بازار اوراق بهادار و نیز نظارت بر افشای اطلاعات با اهمیت توسط شرکت‌های ثبت شده نزد «سازمان» بر عهده هیات مدیره این سازمان می باشد.

در این خصوص سامانه یکپارچه گردآوری، نظارت و انتشار الکترونیکی اطلاعات به نشانی WWW.CODAL.IR به منظور مکانیزه کردن جمع آوری، بررسی و انتشار اطلاعات مالی شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان و سایر اشخاصی که طبق قانون بازار اوراق بهادار ملزم به گزارش اطلاعات خود هستند، طراحی شده است. لازم به ذکر است که کدال مخفف Comprehensive Database Of All Listed Companies است

فرآیندهای اصلی سامانه عبارتند از:

- آماده سازی و ثبت گزارش‌ها به وسیله ناشران
- دریافت و پذیرش گزارش‌ها توسط سامانه
- ذخیره و بازیابی گزارش‌های دریافتی
- تحلیل و نظارت بر گزارش‌ها توسط کارشناسان سازمان
- استخراج گزارش‌های متنوع از اطلاعات ارسالی توسط ناشران
- انتشار اطلاعات به عموم

اهداف اصلی طراحی و به کارگیری این سامانه عبارتند از:

- تسریع در ارائه اطلاعات ناشران اوراق بهادار و افشای عمومی آن
- ایجاد ساز و کاری جهت تسهیل فرایند تهیه و افشای اطلاعات
- ایجاد ساز و کارهای بهینه و مناسب گزارش گیری و گزارشگری مبتنی بر اصول جهانی جهت فعالان بازار سرمایه
- فراهم آوردن امکان دسترسی آسان استفاده کنندگان به اطلاعات
- فراهم آوردن امکان نظارت مؤثرتر بر نحوه ارائه و افشای اطلاعات
- افزایش شفافیت اطلاعاتی از طریق کاهش دوره زمانی تهیه تا انتشار اطلاعات و افزایش دقت در محاسبات و کنترل‌ها
- افزایش هماهنگی واحدهای درون سازمانی و برون سازمانی و ارتقای سطح اطلاع رسانی

مزایا

- مزایای سامانه کدال از دیدگاه شرکت‌های بورسی و فرابورسی

- فراهم شدن سیستم یکپارچه برای ارسال اطلاعات و ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی جامع در مورد شرکت
 - حفظ سوابق اطلاعات ارسالی قبلی و تسهیل در تهیه گزارش‌ها بدلیل بازیابی اطلاعات مقایسه‌ای قبلی و درج آن در گزارش جدید
 - افزایش دقت و سرعت در ارسال اطلاعات بدلیل لحاظ نمودن کنترل‌های محاسباتی و مفهومی
 - کاهش هزینه‌های مربوط به تنظیم و ارسال گزارش‌ها به سازمان بورس و عموم سرمایه گذاران
 - افزایش امنیت در ارسال اطلاعات به سازمان بورس و عموم سرمایه گذاران
- مزایای سامانه کدال از دیدگاه سرمایه گذاران، تحلیلگران، حسابرسان و پژوهشگران
- ایجاد سهولت برای سرمایه گذاران جهت دسترسی به اطلاعات با استفاده از یک سامانه متمرکز
 - استاندارد شدن گزارش‌های دریافتی از شرکت‌ها و افزایش قابلیت مقایسه در اطلاعات دریافتی
 - ایجاد امکان جستجوی پیشرفته در متن اطلاعیه‌ها و اطلاعات ارسالی شرکت‌ها
 - امکان طراحی و تولید گزارش‌های متنوع توسط کاربران از گزارش‌ها و جداول موجود در سیستم
- صرفه جویی در زمان و هزینه دسترسی به اطلاعات
 - مزایای سامانه کدال از دیدگاه ارکان ناظر بازار اوراق بهادار
 - افزایش سرعت در فرایند بررسی و انتشار اطلاعات بدلیل یکپارچه بودن سامانه
 - افزایش قابلیت اتکای اطلاعات منتشره بدلیل انجام بخش عمده ای از

کنترل‌های محاسباتی و مفهومی در مرحله ارسال اطلاعات توسط ناشر

- امکان نظارت بهتر بر فرایند افشای اطلاعات بر اساس امکانات نظارتی

وجود در سامانه و هشدارهای سامانه

- امکان نظارت بر زمان ارسال اطلاعات توسط شرکت و زمان و اقدامات انجام شده توسط هر یک از رده‌های مسئول در بخش‌های نظارتی

- ارتقای شفافیت اطلاعاتی بازار بدلیل دسترسی یکسان و سریع همه سرمایه گذاران

سایت کدال یکی از مهمترین سایت‌های مرتبط با بورس اوراق بهادار تهران است. در واقع شبکه کدال آرشیوی از تمام گزارشات مهم شرکت‌های بورس تهران است. همچنین در خصوص اهمیت گزارشات ارسالی به سایت کدال و نحوه جستجو اطلاعات در این سایت خواهیم گفت.

تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس ایران و حتی شرکت‌های زیرمجموعه آن‌ها موظف به ارسال گزارشات منظم برای شبکه کدال هستند. در واقع هدف این سامانه افزایش شفافیت در اطلاعات مالی شرکت‌ها است. همچنین به دلیل متمرکز بودن بخش وسیعی از اطلاعات و گزارشات، دسترسی به آن‌ها بسیار ساده است. همین مزیت‌ها باعث شده تا سایت کدال (شبکه کدال) به یکی از پربازدیدترین سایت‌های بورس تهران تبدیل شود.

سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران بورس

شبکه کدال یک سامانه جمع آوری و نشر گزارش از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است. تمام شرکت‌های بورس تهران موظف هستند گزارشات خود را برای شبکه کدال ارسال کنند. سپس این اطلاعات از طریق سایت کدال برای اطلاع عموم مردم و سهامداران بورس تهران بصورت رایگان منتشر می‌شود.

عملکرد سامانه شبکه کدال باعث شفافیت در وضعیت شرکت‌های بورس تهران می‌شود. از طرفی فعالان بازار سهام با مراجعه به سایت کدال اطلاعات مهمی را در مورد سهام و شرکت مورد نظرشان بدست می‌آورند. مثل اطلاعات مربوط به مجمع عمومی، سود سهام، افزایش سرمایه و بسیاری اطلاعات دیگر. در فیلم آموزش سایت کدال به مهمترین اطلاعات شبکه کدال اشاره می‌کنیم.

ناشران اطلاعات در سایت کدال

تمامی شرکت‌هایی که نماد آن‌ها در سازمان بورس درج شده است جزو ناشران بورسی می‌باشند که ملزم به انتشار گزارش‌های مصوب سازمان بورس هستند تا از این دریچه بتوانند به حیات خود در بورس ادامه دهند.

ناشران شبکه کدال به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

این چهار گروه به شرح زیر هستند:

- شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران
- شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس ایران
- شرکت‌های ثبت شده در سازمان بورس (اما غیر بورسی و غیر فرابورسی)
- شرکت‌های ثبت نشده در سازمان بورس

گزارشات دوره‌ای شرکت‌های مادر و زیرمجموعه

تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس موظف به ارائه گزارش هستند. حتی شرکت‌های زیر مجموعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس نیز به منظور افزایش شفافیت عملکرد شرکت مادر باید گزارشات خود

را به شبکه کدال ارائه کنند. شرکت‌های زیر مجموعه ممکن است در سازمان بورس ثبت شده باشند و یا ممکن است ثبت نشده باشند.

سهامداران حق دارند از گزارشات شرکت زیر مجموعه مطلع شوند. به همین دلیل شرکت زیر مجموعه هم موظف به نشر اطلاعات خود خواهد بود. حال اینکه ممکن است این یک شرکت بورسی و یا فرابورسی نباشد. همچنین ممکن است در سازمان بورس هم ثبت نشده باشد

اطلاعات با اهمیت سایت کدال چیست؟

در سایت کدال اطلاعات بسیار زیادی توسط ناشران ارسال می‌شود. اما برخی از این اطلاعات اهمیت بسیار بالایی دارند. در ادامه به فهرستی کلی از اطلاعات مهم منتشر شده در سایت کدال اشاره می‌کنیم.

۱- آگهی‌های مربوط به مجمع عمومی (عادی سالیانه - فوق العاده) شامل: دعوتنامه - دستورکار - تصمیمات و غیره.

گردهمایی سهامداران و مدیران که به منظور تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم شرکت برگزار می‌گردد، مجمع عمومی اطلاق می‌شود. مجامع شرکت‌ها معمولاً باید سالی یکبار، یا آن‌طور که در اساسنامه پیش‌بینی شده است، برای رسیدگی به ترازنامه و صورت سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات شرکت و صورت حساب دوره عملکرد دوره‌ای شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران، اعضای هیئت‌مدیره، بازرسان و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود.

مجامع عمومی به موجب قانون به سه دسته اصلی «مجمع عمومی مؤسس»، «مجمع عمومی سالیانه» و «مجمع عمومی فوق العاده» تقسیم می شود.

۱- مجمع عمومی مؤسس

مجمع عمومی مؤسس از مؤسسين و سهامداران اولیه ای شرکت های سهامی عام تشکیل می شود که در جریان ایجاد شرکت در شرف تاسیس حاضر بوده اند. این مجمع صلاحیت انتخاب اولین مدیران، بازرسان و تصویب طرح اساس نامه و انتخاب روزنامه رسمی را دارد.

۲- مجمع عادی سالیانه

مجمع عمومی عادی سالیانه برای رسیدگی به صورت های مالی شرکت، رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان شرکت و تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام و... سالی یکبار در زمانی که در اساسنامه پیش بینی شده، تشکیل می شود. مجمع عمومی عادی با حضور حداقل بیش از نیمی از سهامداران به نسبت تعداد سهام رسمیت می یابد و تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

مهلت قانونی تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه طبق قانون تجارت حداکثر چهار ماه پس از پایان سال مالی شرکت است. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه های کثیرالانتشار، سایت رسمی سازمان بورس یا سایت شرکت به عمل آید. فاصله بین نشر آگهی و تاریخ تشکیل مجمع حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۴۰ روز است.

۳- مجمع عمومی فوق العاده

به جز مجمع سالیانه، هر مجمع دیگری که توسط شرکت برگزار شود، مجمع فوق العاده نام دارد. در مجامع فوق العاده عمدتاً درباره مواردی مانند افزایش

سرمایه شرکت، انحلال شرکت، تغییر در اساسنامه شرکت و... تصمیم‌گیری می‌شود. در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند، باید حاضر باشند و تصمیمات مجمع همواره با اکثریت دوسوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

گفتنی است به‌غیر از «مجمع عمومی فوق‌العاده»، «مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده» نیز برگزار می‌شود که در آن انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و... انجام می‌شود.

۲- اطلاعیه‌های مربوط به افزایش سرمایه شامل مجمع - زمان - مقدار - حق تقدم - نوع و غیره.

فرایند انجام افزایش سرمایه:

یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها که سرمایه‌گذاران به آن توجه ویژه دارند گزارش افزایش سرمایه شرکت‌ها هست. لازم به ذکر است که برای برگزاری مجمع فوق‌العاده جهت انجام افزایش سرمایه شرکت‌ها بایستی چندین گزارش ارائه بدهند که تمامی آن‌ها در قالب اطلاعیه‌های کدال در اختیار عموم قرار بگیرد. ابتدا گزارش طرح توجیهی افزایش سرمایه در گزارشی تحت عنوان پیشنهاد هیئت‌مدیره به مجمع فوق‌العاده در خصوص افزایش سرمایه منتشر می‌گردد. پس از آن این گزارش برای حسابرس و بازرس قانونی ارسال می‌گردد و پس از تأیید توسط این دو، گزارشی تحت عنوان اظهارنظر حسابرس و بازرس قانونی در خصوص افزایش سرمایه در کدال درج می‌گردد و گزارش مزبور برای سازمان بورس ارسال می‌گردد. نظر سازمان بورس در گزارشی با عنوان مدارک و مستندات درخواست افزایش سرمایه در سامانه درج می‌گردد. پس از طی تمامی مراحل شرکت موظف است طی ۶۰ روز مجمع فوق‌العاده را برگزار نماید.

۳- گزارشات مالی شامل اطلاعات مالی میان دوره‌ای (۳ ماهه) - انتهای سال مالی - عملکرد هیئت مدیره و غیره.

صورت‌های مالی میان‌دوره و پایان دوره:

بر طبق الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار با هدف کسب اطلاعات به موقع و شفاف از فعالیت‌ها، شرکت‌های بورسی ملزم هستند تا صورت‌های مالی خود را به همراه جزییات اطلاعات در بازه‌های زمانی ۳ ماهه منتشر نمایند. بنابراین گزارشی تحت عنوان اطلاعات و صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ۳، ۶ و ۹ ماهه را از شرکت‌ها مشاهده خواهیم کرد. همچنین اطلاعات و صورت‌های مالی ۱۲ ماهه نیز گزارش سال مالی شرکت را در اختیار عموم قرار می‌دهد

گزارش‌های ماهیانه:

از دیگر اطلاعات مهم و حیاتی که از سال ۱۳۹۵ توسط سازمان بورس برای تمامی شرکت‌ها الزامی گردید گزارش یک‌ماهه از فروش شرکت‌ها بوده است. در این گزارش شرکت‌ها آمار فروش خود و یا ارائه خدمات انجام شده طی یک ماه گذشته را همراه با حجم و نرخ فروش و در نهایت ارزش ریالی فروش کل، ارائه می‌کنند تا شفافیت اطلاعاتی از شرکت‌های بورسی افزایش پیدا نماید.

گزارش فعالیت هیئت مدیره:

هنگامی که شرکت‌ها گزارش اطلاعات و صورت‌های مالی ۱۲ ماهه خود را منتشر می‌کنند جهت برگزاری مجمع عمومی عادی ملزم هستند تا گزارش حسابرسی شده آن را در سامانه کدال منتشر نمایند. پس از انتشار این گزارش، اعضای هیئت‌مدیره شرکت با توجه به اتفاقات سال گذشته و وضعیت آتی، گزارش‌های مهم و حیاتی از وضعیت و جایگاه شرکت در زمان فعلی و آتی شرکت منتشر می‌کنند و تمامی این اطلاعات را در قالب گزارش فعالیت هیئت‌مدیره در

سامانه کدال منتشر می‌کند و سهامداران از این طریق اطلاعات مهم و حیاتی را به دست می‌آورند.

یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی:

بر طبق قانون سازمان، تمامی شرکت‌های بورسی ملزم هستند تا برای گزارش‌های ۶ ماهه و ۱۲ ماهه خود گزارش حسابرسی شده شرکت را منتشر کنند. لازم به ذکر است که تمامی شرکت‌های بورسی دارای حسابرس داخلی هستند و گزارش مزبور توسط حسابرس مستقل خارج از شرکت که مورد تأیید سازمان بورس هست تهیه می‌گردد. گزارش حسابرس مستقل در گزارشی تحت عنوان اطلاعات و صورت‌های مالی ۶(۱۲) ماهه منتهی به ۱۳XX/XX/XX منتشر می‌گردد. لازم به ذکر است که عنوان اصلی این گزارش عموماً یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی است.

۴- گزارش حسابرس قانونی شرکت‌ها. حسابرس به عنوان ناظر بر عملکرد مالی شرکت‌ها به تایید سازمان بورس رسیده.

۵- افشای اطلاعات با اهمیت (شفاف سازی) به منظور اطلاع سهامداران از اخبار تاثیرگذار بر وضعیت مالی شرکت.

اطلاعات افشا شده با اهمیت الف یا ب چه تفاوتی دارد..

گزارش اطلاعات با اهمیت گروه الف:

تا قبل از بهمن ۱۳۹۶ شرکت‌های بورسی در صورت بروز اتفاقات مهم که بر روی سود هر سهم آن اثرگذار بود و اثر آن موجب تغییر بیش از ۲۰ درصدی در EPS شرکت می‌شد گزارشی تحت عنوان پیش‌بینی درآمد هر سهم سال مالی

منتهی به ۱۳xx/xx/xx منتشر می‌کردند و در آن اطلاعاتی را منتشر می‌کردند. ولی از بهمن سال ۱۳۹۶ سازمان بورس این گزارش‌ها را حذف و به جای آن مصوب کرد تا شرکت‌ها اطلاعات مهم و اثرگذار بر سود هر سهم خود را در گزارشی تحت عنوان افشای اطلاعات بااهمیت گروه الف منتشر نمایند و در آن تغییرات سود هر سهم را گزارش کنند.

اطلاعات با اهمیت گروه (الف) شامل:

- تعلیق یا توقف تمام یا بخشی از فعالیت شرکت؛
- شروع مجدد فعالیت متوقف یا تعلیق شده؛
- بهره برداری از طرح‌ها و پروژه‌های جدید؛
- اعلام اعسار یا ورشکستگی شرکت؛
- نتایج برگزاری مناقصه یا مزایده؛
- نتایج شرکت در مناقصه یا مزایده؛
- انعقاد، فسخ و یا تغییرات اساسی در قراردادهای مهم؛
- کشف منابع و یا ذخایر قابل توجه؛
- هر نوع ترکیب، تجزیه، ادغام و اکتساب؛
- نقل و انتقال دارایی‌های ثابت شرکت؛

تحصیل سهام شرکت دیگر در هر یک از موارد ذیل:

- ۱- مبلغ خرید بیش از ۵ درصد دارایی‌های شرکت در صورت‌های مالی سال قبل باشد؛
- ۲- ناشر بیش از ۵ درصد سهام شرکت (بورسی یا فرابورسی) دیگر را خریداری نماید.

واگذاری سهام شرکت دیگر در هر یک از موارد ذیل:

۱- مبلغ واگذاری بیش از ۵ درصد دارایی‌های شرکت در صورت‌های مالی سال قبل باشد؛

۲- ناشر بیش از ۵ درصد سهام شرکت (بورسی یا فرابورسی) دیگر را واگذار نماید.

تغییرات بااهمیت در عملکرد شرکت های تحت کنترل:

- تغییر سهامدار عمده؛
- اعلام وقوع حوادث غیر مترقبه؛
- تعدیلات سنواتی؛
- درخواست خروج از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مربوطه؛
- خرید، واگذاری، اخذ، فسخ و تغییرات مجوز فعالیت، امتیاز تجاری یا علائم تجاری؛
- تأثیرات با اهمیت ناشی از تغییرات ارزی (قیمت ارز)؛
- دریافت یا پرداخت کمک‌های نقدی یا غیر نقدی بیشتر از ۵ درصد سرمایه شرکت؛
- پذیرش یا انتقال اوراق در بازارهای بین المللی؛
- برگشت بیشتر از ۵ درصد از محصولات شرکت بر اساس مبلغ فروش آخرین سال مالی؛

● دریافت مجوز تغییر بیشتر از ۱۰ درصد در قیمت فروش محصولات یا خرید مواد اولیه؛

● تغییر در برآوردهای حسابداری؛

گزارش اطلاعات بااهمیت گروه ب:

همچنین اطلاعات بااهمیت دیگر را که مستقیماً موجب تغییر سود هر سهم نمی‌شوند ولی جزو اطلاعاتی است که سهامداران باید نسبت به آن آگاهی داشته باشند در گزارشی تحت عنوان افشای اطلاعات بااهمیت گروه ب منتشر می‌گردد

اطلاعات با اهمیت گروه (ب) شامل:

- برگزاری مناقصه یا مزایده؛
- شرکت در مناقصه یا مزایده؛
- افشای معاملات موضوع ماده ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت یا معاملات با سایر اشخاص وابسته؛
- پذیرش تعهدات جدید یا اتمام تعهدات قبلی؛
- دعاوی مهم مطروحه له یا علیه شرکت؛
- تغییرات در ترکیب تولید یا فروش محصولات؛
- تغییر وضعیت مشتریان یا عرضه‌کنندگان عمده شرکت؛
- برنامه انتشار اوراق بدهی؛
- پیشنهاد پرداخت سود یا تغییر سیاست تقسیم سود
- توثیق یا فک رهن دارایی‌ها؛
- ایجاد یا منتفی شدن بدهی احتمالی؛
- تغییر حسابرس؛
- تصمیم هیئت مدیره برای بازخرید سهم یا فروش سهام خزانه؛
- توثیق، مسدود کردن، آزادسازی یا فک رهن سهام ناشر متعلق به سهامدار عمده که عضو هیئت مدیره است؛

فصل دوم:

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

اصول حسابداری

حسابداری فرایند شناسایی، اندازه گیری، تجزیه و تحلیل، ثبت، طبقه بندی، تلخیص و گزارش رویدادهای مالی برای استفاده کنندگان مالی جهت اتخاذ تصمیمات منطقی و قضاوت آگاهانه است. در تعریف سیستمی حسابداری، حسابداری را سیستمی می‌دانند که رویدادهای مالی یک شرکت را پردازش کرده و به اطلاعات مالی قابل استفاده تبدیل می‌نماید. خروجی سیستم حسابداری اطلاعات قابل استفاده مالی است. این اطلاعات عمدتاً در قالب صورتهای مالی اساسی گزارش می‌شوند.

صورتهای مالی یک موسسه شامل ترازنامه، صورت حساب سود و زیان، صورت سود و زیان جامع و صورت گردش جریان وجوه نقد می‌باشد که به آنها صورتهای مالی اساسی نیز می‌گویند که در فصل بعدی به توضیح آنان خواهیم پرداخت.

فرآیند حسابداری:

فرآیند حسابداری دارای چهار مرحله به ترتیب زیر می‌باشد:

- ثبت رویدادهای مالی
- طبقه بندی اقلام ثبت شده
- خلاصه کردن اقلام در قالب اعداد قابل سنجش
- تفسیر نتایج حاصله از بررسی اقلام خلاصه شده

ثبت رویدادهای مالی:

در این مرحله کلید داد و ستدها و فعالیت‌های مالی به ترتیب تاریخ وقوع در دفتری به نام دفتر روزنامه ثبت می‌شود.

ماده ۷ قانون تجارت: دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و دادستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهر نویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و جوهری را که برای مخرج شخصی خود برداشت می‌کند در آن دفتر ثبت نماید.

طبقه بندی اقلام ثبت شده:

در این مرحله اقلام ثبت شده در دفتر روزنامه، به حساب‌های مختلف در دفتر دیگری به نام دفتر کل انتقال می‌یابند.

ماده ۸ قانون تجارت: دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

خلاصه کردن اقلام در قالب اعداد قابل سنجش:

ترکیب و تنظیم نتایج حساب‌های دفتر کل به نحوی که حداکثر اطلاعات مورد نیاز به طور خلاصه و ساده به دست آید.

تفسیر نتایج حاصله از بررسی اقلام خلاصه شده

اعداد مندرج در صورت‌های مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

استفاده کنندگان اطلاعات مالی:

- استفاده کنندگان درون سازمانی
- هیات مدیره و مدیران اجرایی
- استفاده‌کنندگان برون سازمانی
- صاحبان سرمایه، دولت، بستانکاران، بانک‌ها، رقبای سرمایه‌گذاران بالقوه و سایر ذینفعان؛
- مفروضات، اصول و میثاق‌های حسابداری:

هدف از وضع و تدوین اصول پذیرفته شده حسابداری:

ایجاد سیستمی یکنواخت برای پردازش اطلاعات مالی، تهیه و ارائه گزارش‌های مالی مفید برای تصمیم‌گیری و قضاوت آگاهانه است.

میثاق‌ها، قواعد و رویه‌هایی هستند که در طول زمان توسط بشر و در پاسخ به نیازهای جوامع به اطلاعات مالی بنا نهاده شده‌است و به تدریج تغییر، تحول و تکامل یافته‌است و به این دلیل مفاهیم عمومی حسابداری را اغلب اصول پذیرفته شده حسابداری می‌نامند.

طبقه‌بندی مفاهیم عمومی حسابداری:

الف: فرضیات مبنا یا مفاهیم بنیادی حسابداری

ب: اصول عمومی حسابداری

ج: قیود یا میثاق‌های تعدیل کننده

فرضیات مبنا یا مفاهیم بنیادی حسابداری

مفاهیم بنیادی که زی بنای لازم را برای حسابداری موسسات فراهم می‌کند و شالوده سایر مفاهیم و اصول حسابداری قرار می‌گیرند، فرضیات مبنای حسابداری نامیده می‌شوند. این فرضیات به لحاظ داشتن فایده در نیل به هدف‌ها و انجام‌دادن عملیات حسابداری در طول زمان به وجود آمده و به عنوان مفاهیمی بدیهی و بدون نیاز به استدلال و اثبات، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این فرضیات به قرار طول زمان به وجود آمده و به عنوان مفاهیمی بدیهی و بدون نیاز به استدلال و اثبات مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این فرضیات به قرار طول زمان به وجود آمده و به عنوان مفاهیمی بدیهی و بدون نیاز به استدلال و اثبات، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. این فرضیات به قرار زیر می‌باشد:

الف: فرض تفکیک شخصیت:

منظور قائل شدن موجودیتی مستقل و هویتی متمایز برای هر موسسه جدای از مالک یا مالکان و نگهداری حساب و تهیه صورت‌های مالی برای یک موسسه به عنوان یک شخصیت حسابداری است.

ب: فرض اندازه گیری بر حسب واحد پول:

در حسابداری معاملات و عملیات مالی و رویدادهای دارای اثر بر حسب واحد پول بعنوان مقیاس مشترک اندازه گیری سنجیده و اطلاعات مالی بر حسب پول

گزارش می‌شود و مقیاس مشترک اندازه‌گیری ارزش، تجمیع تلخیص و ارائه اطلاعات مالی واحد پول رایج هر کشور است.

پ: فرض تداوم فعالیت:

موسسات برای مدت نامحدود تشکیل و فرض می‌شود که در آینده قابل پیش بینی دایرند و فعالیت‌های آن‌ها استمرار دارد و قصد تعطیل و انحلال آن‌ها وجود ندارد. البته این فرض به معنای آن است که یک موسسه به عنوان موجودیتی مستقل می‌تواند خود را با شرایط متغیر اقتصادی به نحوی وقف دهد که فعالیت‌های آن ادامه یابد.

ت: فرض دوره مالی:

برای اینکه اطلاعاتی نسبتاً دقیق درباره نتایج عملیات و وضعیت مالی یک موسسه در طول زمان فراهم شود، عمر یک موسسه به دوره‌های زمانی کوتاه و مساوی تقسیم می‌شود. این کار به معنای پذیرفتن دوره مالی در حسابداری است؛ که این دوره مالی بستگی به نوع فعالیت و شرایط محیطی موسسه انتخاب و معمولاً طول دوره مالی می‌تواند یک ماه، سه ماه، شش ماه، یکسال باشد و هر یک از این دوره‌ها را دوره حسابداری می‌نامند.

ث: فرض تعهدی:

موسسات معاملات و عملیات متعدد و متنوعی را در طول زمان انجام می‌دهند که قسمتی از آن‌ها تعهد آور می‌باشد مانند معاملاتی خرید و فروش نسبی کالا که طرفین تعهد می‌کنند قسمتی از وجه معامله بعداً پرداخت گردد. درآمدها در زمان تحقق و هزینه‌ها در دوره وقوع بدون در نظر گرفتن زمان دریافت و یا پرداخت آن‌ها شناسایی در حساب‌ها ثبت و در صورت‌های مالی دوره مربوط گزارش می‌شود.

اصول عمومی حسابداری:

مبانی و قواعد رهنمودهای حاکم بر اندازه گیری، ثبت، طبقه بندی و گزارش نتایج معاملات و عملیات مالی و رویدادهای دارای اثر مالی بر یک موسسه را اصول حسابداری نامند. این اصول نحوه تعیین سود را مشخص و چگونگی گزارش وضعیت مالی یک موسسه را روشن می کند که به شرح ذیل می باشد:

۱- اصل بهای تمام شده:

در حسابداری کنونی قیمت های تحقق یافته در معاملات که اصطلاحاً بهای تمام شده یا ارزش تاریخی نامیده می شود، مبنای ثبت و ضبط اطلاعات و گزارشات مالی قرار می گیرد. به این معنا که اقلام مختلف دارایی، بدهی، درآمدها و هزینه ها به قیمت های معامله شده یا ارزش های تاریخی در مدارک حسابداری ثبت می شود.

۲- اصل تحقق در آمد:

بر اساس این اصل درآمدها می بایست به محض ارائه خدمت به مشتریان شناسایی و ثبت شود اعم از اینکه بهای آن نقدا دریافت شده یا نشده باشد.

۳- اصل تطابق:

بر اساس این اصل می بایست هزینه ها و درآمدهای هر دوره مالی را به حساب های همان دوره منظور نمود.

۴- اصل افشا:

طبق این اصل کلیه رویدادهای مالی با اهمیت مربوط به موسسه به طور مناسب و کامل طبق اصول پذیرفته شده حسابداری افشا گردد این اصل بر کلیه جوانب گزارشگری مالی تاثیر دارد.

۵- اصل ثبات رویه:

طبق اصل مذکور روش حسابداری این موسسه باید در سال های متوالی

یکان باشد اگر در یک سال یکی از روش‌های عمده حسابداری در مواردی که دو یا چند انتخاب وجود دارد تغییر نماید، باید میزان اثر تغییر روش بر ارقام سود و زیان و ترانزنامه افشا گردد.

قیود محدودیت‌ها یا میثاق‌های تعدیل‌کننده:

در بسیاری از موارد بکارگیری اصول و مفروضات حسابداری با محدودیت‌هایی همراه است. این محدودیت‌ها که به آن‌ها میثاق و محدودیت‌های اجرایی نیز گفته می‌شود عبارتند از:

- ۱- میثاق اهمیت
- ۲- میثاق فزونی منافع بر مخارج
- ۳- میثاق احتیاط
- ۴- میثاق خصوصیات صنعت

مفاهیم حاکم بر ترانزنامه:

- ۱- فرض تداوم فعالیت
- ۲- فرض واحد اندازه گیری
- ۳- اصل افشا
- ۴- اصل بهای تمام شده
- ۵- میثاق اهمیت

ترانزنامه بر اساس فرض تداوم فعالیت تهیه می‌شود یعنی فرض بر این است که یک موسسه برای دوره نامحدود فعالیت می‌کند این صورت حساب نیز مانند سایر صورت حساب‌ها بر مبنای فرض واحد اندازه گیری بر حسب واحد پول استوار است. تمامی صورت‌های مالی در ایران باید بر اساس واحد پول ریال تهیه شود در صورت ترانزنامه اصل افشا بسیار با اهمیت است. زیرا ارقامی که در این صورت مالی ذکر می‌شود بسیار با اهمیت است و باید تمامی ارقام با دقت و به طور کامل افشا شود ضمناً بر طبق اصل بهای تمام شده تمامی اقلام در ترانزنامه با بهای تمام شده تاریخی ثبت می‌شوند. یعنی در طول چند سال هیچ گونه تجدید ارزیابی در اقلام ترانزنامه صورت نمی‌گیرد. بر طبق میثاق اهمیت باید تنها ارقام با اهمیت در ترانزنامه ذکر شود. ارقام ترانزنامه ارقامی با اهمیت از نظر ریال می‌باشند که البته مفهوم اهمیت مفهومی نسبی می‌باشد.

مفاهیم حاکم بر سود و زیان:

- ۱- اصل تحقق درآمد
- ۲- فرض دوره مالی
- ۳- اصل تطابق

۴- میثاق احتیاط

۵- میثاق اهمیت

۶- میثاق فزونی منابع بر مخارج

بر طبق اصل تحقق درآمد هر مبلغی که دریافت شود درآمد آن می‌باشد و چه بسا مواردی که مبلغی دریافت نشود، اما درآمد ثبت گردد. صورت سود و زیان بر فرض دوره مالی استوار است. یعنی مبنای تهیه این صورت یک دوره مالی معین می‌باشد. در ضمن بر مبنای اصل تطابق هزینه‌های هر دوره تنها باید با درآمدهای همان دوره مطابق شود. بر مبنای میثاق احتیاط باید مراقبت شود که هزینه‌های دوره کمتر از واقع و درآمدهای دوره بیشتر از واقع ثبت نشود. اصل افشا و میثاق اهمیت در صورت سود و زیان به این معناست که باید ارقام این صورت بطور کامل افشا شود. و چون ارقام در صورت سود و زیان از نظر ریالی کم ارزش تر از ترازنامه است پس باید در مورد آن توجه بیشتری بشود. در آخر باید توجه داشت که هزینه‌های تهیه صورت مالی نباید بیش از منافع حاصل از آن باشد. البته در مورد یادداشت‌های توضیحی این نکته قابل ذکر است که یادداشت‌های پیوست بر مبنای اصل افشا کامل تهیه می‌شود.

هدف صورت‌های مالی:

ارائه اطلاعات تلخیص و طبقه بندی شده درباره:

وضعیت مالی

عملکرد مالی

انعطاف پذیری مالی

نتایج ایفای وظیفه مباشرت (حسابدهی) مدیریت در قبال منابعی که در اختیارشان

قرار گرفته است می‌باشد.

مسئولیت تهیه صورت‌های مالی:

با هیات مدیره یا سایر ارکان اداره کننده واحد تجاری است.

صورت‌های مالی اساسی:

صورت وضعیت مالی دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سرمایه

صورت سود و زیان

صورت سود و زیان جامع درآمدها و هزینه‌های تحقق یافته و نیافته

صورت جریان‌های نقدی جریان ورود و خروج وجوه نقد

ترازنامه (صورت وضعیت مالی):

دارایی‌ها: حقوق مالی اشخاص نسبت به دارایی‌های واحد تجاری

بدهی‌ها: حقوق مالی سایر اشخاص (غیر از مالک) نسبت به دارایی‌های واحد تجاری

حقوق صاحبان سرمایه: حقوق مالی مالکان نسبت به دارایی‌های واحد تجاری

ترازنامه:

ترازنامه بیانگر وضعیت مالی یک موسسه در یک مقطع زمانی معین است.

این گزارش از یک سونشان دهنده ی دارایی‌ها و منابع اقتصادی موسسه

و از سوی دیگر بیانگر بدهی‌ها و تعهدات اقتصادی و همچنین ارزش ویژه

موسسه است. دارایی‌های یک موسسه به دو گروه عمده دارایی‌های جاری و

دارایی‌های غیرجاری تقسیم‌بندی می‌شوند. دارایی‌های جاری شامل وجوه نقد،

سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری، موجودی کالا و

سپرده‌ها و پیش پرداخت‌ها است. دارایی‌های غیر جاری شامل دارایی‌های

مشهود، دارایی‌های نامشهود و سایر دارایی‌ها است. دارایی ثابت مشهود شامل

زمین، ساختمان، ماشین آلات، تجهیزات و وسایل نقلیه است. دارایی‌های نامشهود شامل انواع حق امتیازها و سرقتی است.

بخش دیگر ترازنامه نشان دهنده بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام است. بدهی‌ها شامل دو گروه اصلی است که عبارت از بدهی‌های جاری و بدهی‌های بلند مدت است. بدهی جاری خود شامل حساب‌ها و اسناد پرداختی تجاری، سود سهام پیشنهادی و پرداختی و پیش دریافت‌ها بوده و بدهی‌های غیر جاری شامل بدهی‌های بلند مدت و ذخیره بازخرید خدمات کارکنان است.

حقوق صاحبان سهام منابعی است که متعلق به سهامداران است و شامل سرمایه، اندوخته‌های قانونی و توسعه، سود (زیان) انباشته و صرف سهام است. چون منابع اقتصادی موسسه از محل استقراض و بدهی‌ها و همچنین از محل سرمایه سهامداران تامین می‌گردد بنابراین دارایی‌های یک موسسه همیشه برابر با بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام آن موسسه است که به آن معادله حسابداری می‌گویند:

$$\text{حقوق صاحبان سهام} + \text{بدهی‌ها} = \text{دارایی‌ها}$$

صورت حساب سود و زیان:

صورت حساب سود و زیان بیانگر عملکرد مالی یک موسسه در طی یک دوره مالی معین است. در این صورت حساب سه سود در بخش‌های مختلف آن گزارش می‌شود که شامل سود ناخالص (ناویژه) سود عملیاتی و سود خالص (ویژه) است. ۱- سود ناویژه: این سود حاصل تفاوت بین فروش خالص و بهای تمام شده کالای فروش رفته است.

$$\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته} - \text{فروش} = \text{سود ناویژه}$$

۲- سود عملیاتی: از سود ناویژه اگر هزینه‌های عملیاتی (هزینه‌های عمومی، توزیع و فروش کسر گردد)، سود عملیاتی به دست می‌آید.

هزینه عملیاتی - سود ناویژه = سود عملیاتی

۳- سود ویژه (خالص): از سود عملیاتی ابتدا هزینه‌های مالی کسر شده و سپس سایر درآمدها و هزینه‌های غیر عملیاتی به آن کسر با اضافه شده تا سود قبل از کسر مالیات به دست آید، از عدد به دست آمده مالیات کسر می‌گردد تا سود ویژه (خالص) به دست آید.

کلیه اقلامی که باعث تغییر در حقوق صاحبان سهام می‌گردند لیکن در صورت حساب سود و زیان جاری منعکس نمی‌شوند، در صورت سود و زیان جامع انعکاس می‌یابد.

صورت جریان وجوه نقد:

صورت جریان وجوه نقد، اطلاعاتی فراتر از ترازنامه و صورتحساب سود و زیان ارائه می‌کند. این گزارش بیانگر ارتباط بین سودآوری سازمان و توان آن واحد در ایجاد وجوه نقد می‌باشد. در واقع صورت جریان وجوه نقد وضعیت نقدینگی و انعطاف پذیری مالی یک موسسه را نشان می‌دهد.

صورت جریان وجوه نقد در ایران در پنج سرفصل محاسبه و تهیه می‌گردد.

سرفصل‌های صورت جریان وجوه نقد شامل:

۱- جریان وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی

۲- جریان وجوه نقد حاصل از بازده و سرمایه‌گذاری‌ها و سود پرداختی بابت تامین مالی

۳- جریان وجوه نقد حاصل از مالیات بر درآمد

۴- جریان وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های سرمایه گذاری

۵- جریان وجوه نقد حاصل از فعالیت تامین مالی

تجزیه و تحلیلی صورت‌های مالی

صورت‌های مالی اساسی در بر دارنده اعداد و ارقامی است که اولاً طی یک دوره مالی شناسایی، اندازه گیری، تجزیه و تحلیل، ثبت، طبقه بندی، تلخیص و نهایتاً گزارش شده‌اند و ثانياً این اعداد و ارقام به شرطی که به درستی تجزیه و تحلیل شوند می‌توانند بیانگر وضعیت مالی، عملکرد مالی، تغییرات در وضعیت مالی و نهایتاً انعطاف پذیری مالی موسسه باشند.

روش‌های تجزیه و تحلیل صورت های مالی

- تجزیه و تحلیل افقی
- مقایسه ای
- بررسی روند
- تجزیه و تحلیل هم مقیاس
- تجزیه و تحلیل عمودی
- تجزیه و تحلیل با استفاده از نسبت های مالی
- تجزیه و تحلیل بر مبنای مقیاس مشترک(استاندارد)

الف: تجزیه و تحلیل عمودی:

در این روش ارقام و اقلام یک صورت مالی با خودش مقایسه می‌گردد مثلاً زیر ارقام و اقلام دارایی‌های موسسه در یک سال خاص با کل دارایی‌های موسسه در آن سال مقایسه می‌شود.

ب: تجزیه و تحلیل افقی:

در تجزیه و تحلیل افقی ارقام و اقلام مندرج در صورت‌های مالی در سال‌های مختلف با یکدیگر مقایسه می‌گردند. در تحلیل افقی در ترازنامه و صورت سود و زیان اقلام ترازنامه‌ای سود و زیانی نسبت به سال پایه سنجیده می‌شود.

ج: تجزیه و تحلیل هم مقیاس:

این تجزیه و تحلیل به دوره‌های زمانی متعدد مربوط می‌شود تجزیه و تحلیل هم مقیاس را می‌توان همزمان با تجزیه و تحلیل افقی و عمودی به کار برد.

تجزیه و تحلیل با استفاده از نسبت‌های مالی:

مهمترین نوع تحلیل در واقع تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی است. برای تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی شرکت از هفت دسته نسبت مالی استفاده شده‌است. این نسبت‌ها در هفت گروه به شرح زیر دسته بندی شده‌اند.

۱- نسبت‌های نقدینگی

۲- نسبت‌های فعالیت

۳- نسبت‌های سرمایه گذاری (اهرمی)

۴- نسبت‌های سودآوری

۵- نسبت‌های ارزیابی

۶- شاخص ورشکستگی آلتمن

نسبت‌های نقدینگی (Liquidity Ratios)

نسبت‌های نقدینگی توان واحد تجاری را برای ایفای تعهدات کوتاه مدت خود از محل دارایی‌های نقدینگی دارایی‌های نقدی نشان می‌دهد. دارایی‌های نقدی

نیز شامل وجه نقد، اوراق بهادار، مطالبات و سایر دارایی‌هایی است که قابل تبدیل به وجه نقد هستند.

۱- نسبت جاری:

نسبت جاری از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری به دست می‌آید. هر چقدر این نسبت بزرگتر باشد، قدرت بازپرداخت بدهی جاری افزایش می‌یابد و طلبکاران با اطمینان بیشتر وام یا خدمات یا کالا در اختیار شرکت قرار خواهند داد. نسبت جاری به تنهایی ملاک تحلیل قرار نمی‌گیرد. و نسبت مزبور همیشه با نسبت آنی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

نسبت جاری بصورت مرتبه بیان می‌شود این نسبت توان پاسخگویی به تعهدات شرکت می‌تواند بدهی‌های جاری خود را از طریق تبدیل دارایی‌های جاری به نقد پاسخگو باشد این نسبت در صورتی که معادل ۱ و بیشتر باشد نمایشگر آن است که شرکت هیچگونه مشکلی از این بابت نخواهد داشت. برای سازمان‌های وام دهنده این نسبت باید بطور متعادل ۲ یا بیشتر از آن باشد که اعتبار دهندگان تمایل به پرداخت اعتبار داشته باشند. نحوه استفاده از این نسبت به این صورت است که برای مثال در شرکتی با نسبت جاری ۱/۲۵ در یک سال بخصوص شرکت می‌تواند یک ممیز بیست و پنج برابر از بدهی جاری خود را از محل دارایی‌های جاری تسویه کند.

۲- نسبت آنی:

نسبت آنی یا سریع از تقسیم دارایی‌های جاری منهای موجودی‌ها بر بدهی‌های جاری به دست می‌آید. به عبارت دیگر در نسبت آنی صورت کسر موجودی نقد به اضافه اوراق بهادار و مطالبات و مخرج کسر جمع بدهی‌های

جاری است. این نسبت توانایی انجام تعهدات کوتاه مدت، با استفاده از دارایی‌های با نقدینگی بسیار زیاد را اندازه گیری می‌کند. زیرا در مقایسه با سایر دارایی‌های جاری، از نقدینگی کمتری برخوردار است.

این نسبت توانایی شرکت را در پرداخت فوری بدهی‌های جاری آن نشان می‌دهد. در محاسبه این نسبت، قیمت تمام شده موجودی‌های جنس و سفارشات از دارایی‌های جاری کسر شده است. زیرا این تصور کلی وجود دارد که در شرایط اضطراری که شرکت ناگزیر از پرداخت فوری بدهی‌های جاری خودیم باشد، فروش موجودی‌های جنسی با سرعت امکان پذیر نیست. این نسبت نیز مانند نسبت جاری به مرتبه بیان می‌شود این نسبت در صورتی که معادل ۱ و یا بیشتر باشد نمایشگر آن است که شرکت هیچ گونه مشکلی در پرداخت بدهی‌های جاری خود در شرایط اضطراری نخواهد داشت.

لازم به ذکر است که این نسبت هرچه بالاتر باشد از دید اعتبار دهندگان مناسب و مطلوبتر است بر اساس تحلیل مدیران مالی مرز بین قدرت نقدینگی کافی و قدرت نقدینگی ناکافی شرکت را معادل یک بودن نسبت آنی شرکت می‌دانند. ناگفته نماند هر چقدر نسبت‌های آنی و جاری کوچکتر باشند از دید مدیریتی مطلوبتر است. چون به هر میزانی که نسبت‌های جاری و آنی کوچکتر باشد یعنی دارایی‌های جاری کمتری در شرکت وجود دارد و شرکت وجوه نقد کمتری را به صورت راکد نگهداری می‌کند که این هزینه‌های ناشی از راکد بودن سرمایه و هزینه‌های سرمایه را کاهش می‌دهد و منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری می‌گردد.

لذا هر چه این نسبت کوچکتر باشد از دید مدیریت مناسبتر است.

نحوه استفاده از این نسبت به این صورت است که برای مثال در یک شرکت

با نسبت آنی ۰/۷۲ در یک سال بخصوص شرکت قادر است ۰/۷۲ از بدهی‌های جاری خود را از محل دارایی‌های آنی سریع خود پرداخت نماید. این نسبت با متوسط صنعت مقایسه می‌شود تا تجزیه و تحلیل شود.

۳- نسبت نقدینگی:

نسبت نقدینگی از تقسیم دارایی‌های جاری منهای مطالبات و موجودی‌ها بر بدهی‌های جاری به دست می‌آید به عبارت دیگر در نسبت نقدینگی صورت کسر موجودی نقد به ضافه اوراق بهادار و مخرج کسر جمع بدهی‌های جاری است. نسبت نقدینگی توانایی و قدرت شرکت در پرداخت تعهدات کوتاه مدت شرکت را اندازه گیری کرده و نشان می‌دهد این نسبت از نسبت آنی سریعتر است. این نسبت توانایی شرکت در پرداخت فوری بدهی‌های جاری آن نشان می‌دهد. در محاسبه این نسبت قیمت تمام شده موجودی‌های جنسی و سفارشات و مطالبات از دارایی‌های جاری کسر شده است زیرا این تصور کلی وجود دارد که در شرایط فوق اضطراری که شرکت ناگزیر از پرداخت بدهی بسیار فوری بدهی‌های جاری خود می‌باشد فروش موجودی‌های جنسی و وصل مطالبات با سرعت امکان پذیر نیست این نسبت نیز مانند نسبت جاری و نسبت آنبیه مرتبه بیان می‌شود. این نسبت در صورتی که معادل ۱ و یا بیشتر از باشد. نمایشگر آن است که شرکت هیچگونه مشکلی در پرداخت بدهی‌های جاری خود در شرایط اضطراری نخواهد داشت.

۴- نسبت فرجه تدافعی:

نسبت فرجه تدافعی از تقسیم موجودی نقد به علاوه اوراق بهادار و مطالبات

بر مخارج برآورد روزانه به دست می آید این نسبت بیانگر این است که موجودی نقد و هر آنچه که در کوتاه مدت می تواند به نقد تبدیل شود تا چند روز می تواند تکافوی هزینه های جاری شرکت را بنماید عدد این نسبت بر حسب روز تفسیر می شود.

۵- نسبت دارایی جاری:

نسبت دارایی جاری از تقسیم دارایی های جاری بر جمع دارایی ها به دست می آید روند این نسبت نکات مهمی را می تواند روشن بسازد.

۶- نسبت کفایت نقد:

نسبت کفایت وجه نقد از تقسیم وجوه نقد حاصل از عملیات بر جمع سود نقدی و خزید دارایی و بازپرداخت بدهی بلند مدت به دست می آید این نسبت بر حسب مرتبه یا دفعه مطرح می شود به عبارت دیگر این نسبت نشان می دهد که با وجوه نقد حاصل از عملیات شرکت چند مرتبه می توان سود نقدی پرداخت کرد و دارایی خرید و بدهی های بلند مدت را بازپرداخت کرد.

۷- نسبت گردش نقدی:

نسبت گردش نقدی از تقسیم وجوه نقد حاصل از عملیات بر بدهی جاری به دست می آید. این نسبت نیز بر حسب مرتبه یا دفعه مطرح شده و میزان مطلوب آن بزرگتر از ۰/۴ می باشد این نسبت بیانگر آن است که چند مرتبه می توان از محل وجوه نقد حاصل از عملیات بدهی جاری شرکت را پرداخت نمود.

ب: نسبت‌های فعالیت (Activity Ratios)

نسبت‌های فعالیت معمولاً چگونگی بکارگیری دارایی‌های واحد تجاری را برای ایجاد درآمد فروش نشان می‌دهد. با بررسی نسبت‌های مزبور می‌توان تعیین کرد که آیا سرمایه‌گذاری واحد انتفاعی در دارایی‌های جاری و دارایی‌های غیرجاری یش از اندازه لازم زیاد یا کم است یا خیر؟

۱- دوره و نسبت گردش کالا:

دوره گردش کالا از تقسیم بهای تمام شده کالای فروش رفته بر متوسط موجودی کالا ضرب در ۳۶۵ روز به دست می‌آید. دوره گردش کالا بر حسب روز بوده و نشان می‌دهد انبار کالای واحد تجاری هر چند روزیک بار پر و خالی شده است. کوتاه بودن این دوره نشان دهنده دوره رکود کمتر کالا در انبار واحد تجاری است و به عبارتی کالای ساخته شده در مدت زمان کمتری فروش رفته است. همچنین می‌توان با تقسیم تعداد روزهای سال ۳۶۵ بر این عدد به نسبت گردش کالا پی برد که نشان می‌دهد در هر سال انبار کالای واحد تجاری چند بار پر و خالی شده است. بزرگتر بودن مقدار نسبت گردش کالا به معنای بالاتر بودن دفعات پر و خالی شدن انبار واحد تجاری است که نشانه پویایی خط تولید و کارایی بالای عملیاتی و دوره رکود کمتر کالا در انبار است. از کوتاه بودن دوره گردش کالانیز همین نتایج استنتاج می‌گردد.

۲- دوره و نسبت گردش مواد:

دوره گردش مواد از تقسیم بهای تمام شده کالای فروش رفته بر متوسط موجودی مواد کالای در جریان ساخت ضرب در ۳۵ رو به دست می‌آید. دوره گردش مواد بر حسب روز بوده و نشان می‌دهد مدت زمان گردش مواد در انبار چند روز است طول مدت کوتاه نشان دهنده گردش سریع مواد است. از

تقسیم تعداد روزهای سال ۳۶۵ بر این عدد نسبت گردش مواد به دست می‌آید بالا بودن نسبت گردش مواد به معنای کاهش بهره ناشی از راکد ماندن و از بین رفتن مواد و همچنین پایین آمدن هزینه‌های انبار و نگهداری می‌شود. از کوتاه بودن دوره گردش مواد نیز همین نتایج استنتاج می‌گردد.

۳- دوره و نسبت وصول مطالبات تجاری:

دوره وصول مطالبات از تقسیم متوسط مطالبات تجاری بر فروش نسبی ضرب در ۳۶۵ روز به دست می‌آید. دوره وصول مطالبات بر حسب روز بوده و مدت زمانی را که طول می‌کشد تا شرکت طلب خود را از اشخاص ثالث یا مشتریان وصول کند نشان می‌دهد. از تقسیم تعداد روزهای سال ۳۶۵ روز بر این عدد نسبت وصول مطالبات به دست می‌آید. از این نسبت می‌توان دریافت به طور متوسط چند بار در سال مطالبات شرکت وصول می‌شوند. هرچه این نسبت پایین تر باشد مطلوب تر است و بالعکس هرچه بزرگتر باشد برای سازمان نامطلوب تر می‌باشد. و بطور معمول با متوسط صنعت در هر نوع کسب و کاری مقایسه می‌شود و بزرگتر بودن آن از متوسط صنعت نشانه خوبی نیست. برای مثال مقدار ۵۰۰ برای یک شرکت بدین معنی است که بطور متوسط هر ۵۰۰ روز یکبار مطالبات شرکت وصول می‌شود که بسیار نامطلوب است.

دوره وصول مطالبات تجاری معیار اندازه گیری مدت زمان لازم برای جمع‌آوری وجه نقد حاصل از فروش مشتریان است. عده بسیاری معتقدند که دوره وصول مطالبات نباید ده تا پانزده روز بیشتر از معطلی باشد که معمولاً در فروش کالا به نسبی اعطا می‌شود. در مقایسه دوره وصول مطالبات شرکت‌ها مسلماً می‌باید اختلاف شرایط فروش آنان را از لحاظ مهلت‌هایی که در فروش قائل می‌شوند، در نظر گرفت.

۴- دوره گردش عملیات:

دوره گردش عملیات از جمع دوره وصول مطالبات تجاری و دوره گردش کالا به دست می آید.

دوره گردش عملیات بر حسب روز بوده و مدت زمانی که طول می کشد تا کالا فروخته شود و مطالبات ناشی از آن وصول شود را نشان می دهد.

توجه: موسسات فروشنده کالا دو نوع هستند. نوع اول موسساتی هستند که کالا را از منابع دیگر خریداری و به مشتری عرضه می کنند که این موسسات صرفاً بازرگانی یا تجاری هستند. در این قبیل موسسات دوره گردش عملیات عبارتست از مجموع دوره گردش کالا و دوره وصول مطالبات.

دوره گردش عملیات در موسسات تجاری = دوره گردش کالا + دوره وصول مطالبات

دسته دوم موسسات فروشنده کالا، موسساتی هستند که کالا را راساً می سازند و سپس می فروشند که به آن ها تولیدی می گویند. دوره گردش عملیات در این موسسات بایستی شامل مدت زمانی که کالا ساخته می شود نیز باشد.

دوره گردش عملیات در موسسات تولیدی =

دوره ساخت کالا + دوره گردش کالا + دوره وصول مطالبات

۵- نسبت فروش کالا یا گردش موجودی کالا:

این نسبت را از تقسیم فروش خالص بر موجودی کالا به میزانی که در ترانزنامه پایان سال منعکس است، به دست آورده اند. گرچه این نسبت را نمی توان حاکی از گردش واقعی کالا محسوب داشت زیرا صورت و مخرج کسر

متجانس نیستند ولی مقایسه آن با شرکت‌های مشابه زمینه‌ای را برای اظهار نظر پدید می‌آورد.

۶- دوره پرداخت به بستانکاران :

دوره پرداخت به بستانکاران از تقسیم متوسط حساب‌های پرداختی تجاری بر متوسط بهای تمام شده خرید نسبه روزانه به دست می‌آید. دوره واریز بستانکاران به روز بوده و مدت زمانی که طول می‌کشد تا بدهی‌های ناشی از خرید نسبه کالا پرداخت شود را نشان دهد دوره پرداخت به بستانکاران برای برنامه ریزی و بودجه بندی پرداخت به بستانکاران فراهم سازد، به کار می‌رود. ضمناً بستانکاران نیز محاسبه تاریخ دریافت طلب خود را از شرکت را پیش‌بینی می‌کنند.

۷- نسبت موجودی به سرمایه در گردش:

این نسبت از تقسیم موجودی کالا بر سرمایه در گردش ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید. این نسبت باید کمتر از ۱۰۰ درصد باشد. اگر این نسبت بیش تر از ۱۰۰ باشد بیانگر این است که موجودی کالای در اختیار شرکت نسبت به منابع مالی که شرکت در اختیار دارد حجم بزرگی را به خود اختصاص می‌دهد و به بیان دیگر افزایش حجم کالا متناسب با وضع مالی شرکت نیست. نسبت کالا به سرمایه در گردش را مقیاسی برای سنجش میزان موجودی کالا و کم و زیاد بودن آن محسوب داشته‌اند. معمولاً این نسبت نباید از ۸۰ درصد تجاوز کند.

۸- گردش سرمایه جاری:

این نسبت بیانگر چگونگی استفاده از سرمایه جاری در امر خرید و فروش کالا و یا در مسیر اصلی شرکت است. این نسبت باید به مقدار خود در سال‌های قبل مورد مقایسه قرار بگیرد.

۹- گردش سرمایه ثابت :

این نسبت از تقسیم فروش بر دارایی‌های ثابت ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید. سرمایه‌گذاری بیش از حد در دارایی‌های ثابت و پایین بودن درآمد حاصل از فروش باعث افت این نسبت می‌شود.

۱۰- گردش دارایی:

نسبت گردش دارایی‌ها از تقسیم مبلغ فروش بر مبلغ جمع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید. این نسبت رابطه بین حجم فعالیت و ارزش دارایی‌ها را بیان می‌کند. هرچه این نسبت بالاتر باشد یعنی سطح فعالیت و حجم فروش بیشتر است و لذا نرخ‌های بالای این نسبت مطلوبیت بیشتری خواهند داشت. برای مثال در شرکتی با نسبت ۰/۸ به علت پایین بودن نسبت نشان دهنده حجم پایین فعالیت است که چندان مطلوب نیست زیرا که حجم فروش رکت نسبت به ارزش دارایی‌ها از اهمیت چندان برخوردار نیست و قابل توجه آن می‌باشد. این مورد نشان دهنده عملکرد ضعیف مدیریت است. این نسبت بر چگونگی بهره‌وری از دارایی‌ها تاکید دارد.

۱۱- درصد تغییر فروش:

این نسبت تغییر درآمد فروش سال مورد رسیدگی را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. صورت کسر فروش سال مورد رسیدگی منهای فروش سال قبل و مخرج کسر فروش سال قبل می‌باشد.

ج: نسبت‌های سرمایه‌گذاری یا اهرمی :

نسبت‌هایی که نشان دهنده توانایی شرکت برای بازپرداخت بدهی‌های بلند مدت و کوتاه مدت است نسبت‌های سرمایه‌گذاری یا اهرمی نامیده می‌شوند.

نسبت های اهرمی ریسک سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بلند مدت یک سازمان را نشان می دهند. این نسبت ها همچنین اطلاعات مفیدی راجع به توان بازپرداخت بدهی های کوتاه مدت و بلند مدت سازمان در سر رسید فراهم می آورند
نسبت های اهرمی عبارتند از:

۱- نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه:

این نسبت از تقسیم خالص دارایی ثابت بر حقوق صاحبان سهام، حاصل می شود. معمولاً حد بالای این نسبت را در صنایع ۱۰۰ درصد و در سایر موسسات تجاری ۷۵% می دانند تجاوز این نسبت از ۱۰۰ در واحدهای صنعتی حاکی از این است که بخشی از مطالبات اشخاص و شرکت ها از واحد تجاری در دارایی های ثابت سرمایه گذاری شده است.

۲- نسبت مالکانه:

این نسبت از تقسیم حقوق صاحبان سهام بر جمع دارایی ها به دست می آید. این نسبت نشان می دهد که چند درصد از دارایی های واحد تجاری به صاحبان سهام تعلق دارد.

۳- نسبت کل بدهی به ارزش ویژه:

این نسبت از تقسیم جمع بدهی ها بر حقوق صاحبان سهام واحد تجاری به دست می آید. این نسبت نشان می دهد جمع بدهی ها (اعم از جاری و بلند مدت) چه سهمی از ما یملک صاحبان سهام را در بر می گیرد. هر چه این نسبت بزرگتر باشد طلبکاران تامین کمتری خواهند داشت. معمولاً وقتی نسبت مذکور به حدود ۱۰۰ درصد برسد و یا از آن تجاوز کند وضع غیر عادی تلقی می شود بنابراین این نسبت هرچه کوچکتر باشد برای واحد تجاری مطلوب تر است در صورتی که نرخ بهره پرداختی پایین تر از نرخ بهره سودآوری

باشد هر چه این عدد بزرگتر باشد نشان دهنده سودآوری بیشتر خواهد بود.

۴- نسبت بدهی بلند مدت به ارزش ویژه:

در محاسبه این نسبت بره‌های های بلند مدت را بر حقوق صاحبان سهام تقسیم می‌کنند. تجاوز این نسبت از ۱۰۰ درصد حکایت از آن می‌کند که حقوق مالی طلبکاران بر سهامداران فزونی گرفته است. این نسبت میزان ظرفیت وام‌گیری از منابع وام دهندگان را بیان می‌کند هر قدر این نسبت کوچک باشد امکان اخذ وام برای موسسه بیشتر خواهد شد.

۵- نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه:

برای به دست آوردن این نسبت بدهی جاری را بر حقوق صاحبان سهام تقسیم می‌کنند. هر گاه میزان این نسبت از ۸۰ درصد تجاوز کند موسسه را مبتلای به مشکلات اقتصادی تشخیص می‌دهند.

۶- نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها:

این نسبت از تقسیم جمع کل بدهی‌ها بر جمع کل دارایی‌ها به دست می‌آید این نسبت اطلاعاتی راجع به توانایی سازمان در تحمل کاهش خالص دارایی‌ها بر اثر زیان‌های وارده بدون به مخاطره افتادن مبالغ اعتبار دهندگان را ارائه می‌کند. بالا بودن این نسبت بیانگر ریسک بالای اعتبار دهندگان بوده و موجب می‌گردد تا آن‌ها نظر مساعدی نسبت به تمدید اعتبار یا اعطای اعتبار جدید نداشته باشند. سطح مطلوب این نسبت بستگی به ثبات درآمدی در طی سالیان مختلف دارد هرچه ثبات درآمدی تاریخی بیشتر باشد اعتبار دهندگان و سرمایه گذاران نسبت‌های بالاتری را تحمل خواهند کرد.

۷- نسبت پوشش بدهی:

این نسبت از تقسیم دارایی‌های ثابت بر بدهی‌های بلند مدت به دست می‌آید.

در گذشته که همه وجود دارایی‌های ثابت را ملاک و پشتوانه‌ای برای بازپرداخت بدهی‌های بلند مدت می‌دانستند این نسبت از اهمیت خاصی برخوردار خاصی برخوردار بود. امروزه بیشتر از وجود دارایی‌های ثابت درآمذزایی و قدرت تولید وجوه نقد عملیاتی را ملاک و پشتوانه بازپرداخت بدهی‌های بلند مدت می‌دانند.

۸- نسبت وجوه نقد عملیاتی به بدهی:

نسبت فوق از تقسیم وجوه نقد حاصل از عملیات بر جمع کل بدهی‌ها به دست می‌آید. این نسبت دارای توان پیش‌بینی بالایی جهت تعیین سلامت مالی شرکت‌ها می‌باشد توان باز پرداخت بدهی‌ها رابطه‌ی مستقیمی با تقدینگی و انعطاف‌پذیری مالی دارد. اطلاعات صورت جریان وجوه نقد به مراتب قابل اتکاتر از اطلاعات ترانزنامه یا صورت سود و زیان است.

۹- نسبت توان پرداخت بهره:

این نسبت از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات (EBIT) بر بهره به دست می‌آید. این نسبت معرف قدرت شرکت در پرداخت بهره از محل سود شرکت است. به این نسبت نسبت پوشش بهره نیز گفته می‌شود.

د: نسبت‌های سودآوری:

نسبت‌های سودآوری میزان موفقیت واحد تجاری را در تحصیل بازده خالص نسبت به درآمد فروش یا نسبت به سرمایه‌گذاری‌ها اندازه‌گیری می‌کند. نظر به اینکه معمولاً سود هدف نهایی واحد انتفاعی است عملکرد ضعیف در این قبیل موارد نشان دهنده عدم موفقیتی است که در صورت اصلاح نشدن می‌تواند موجب توقف ورشکستگی و انحلال واحد انتفاعی بشود.

۱- نسبت سود خالص (بازده فروش):

این نسبت از تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات بر فروش خالص به

دست می‌آید این نسبت نشان می‌دهد که چند درصد از فروش را سود خالص تشکیل می‌دهد. تغییرات این نسبت تحت تاثیر حجم فروش شرکت، سیاست قیمت گذاری و ساختار هزینه‌ها است. بازده فروش را مقیاس سودآوری محسوب و با نسبت بازده ارزش ویژه مرتبط می‌دانند.

۲- نسبت سود ناخالص (حاشیه فروش):

این نسبت از تقسیم سود ناخالص بر فروش خالص به دست می‌آید این نسبت نشان می‌دهد سود ناخالص از آن کسر بهای تمام شده کالای فروش رفته از فروش خالص به دست می‌آید که به آن حاشیه فروش گفته می‌شود تغییرات این نسبت تحت تاثیر حجم فروش شرکت سیاست قیمت گذاری و ساختار هزینه‌ها است.

۳- بازده دارایی‌ها (ROA):

این درصد برای سنجش بازدهی دارایی‌ها و یادر واقع برای بکارگیری دارایی‌ها جهت کسب و کار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در واقع شاخص نهایی براساس سنجیدن استفاده بهینه از دارایی‌ها می‌باشد تفاوت این درصد و درصد بازده ارزش ویژه میزان سودآوری بدهی‌ها یا سودآوری اهرمی نامیده می‌شود. برای تعیین درصد بازده دارایی‌ها سود ویژه را بر میانگین جمع دارایی‌ها به صورت خالص تقسیم نموده و در عدد ۱۰۰ ضرب می‌کنند هر چه این نسبت افزایش یابد یعنی توانسته ایم از دارایی‌های بکار گرفته شده سود بیشتری به دست آوریم.

۴- بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)

بازده حقوق صاحبان سهام از تقسیم سود خالص قبل از مالیات بر میانگین جمع حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید اگر نتیجه را در ۱۰۰ ضرب کنیم درصد بازده حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید. بازده حقوق صاحبان سهام خالص

میزان سود خالص ایجاد شده در مقابل هر یک ریال حقوق صاحبان سهام (منابعی که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده اند) را نشان می‌دهد. حقوق صاحبان سهام نشانگر مجموع سرمایه‌ای است که در اختیار شرکت بوده است. نسبت بیشتر نشانگر موفقیت در تحصیل سود بیشتر برای سهامداران است. ارزش ویژه به معنی اعم آن یعنی حقوق صاحبان سهام که از کم کردن بدهی‌ها از کل دارایی‌های به دست آمده است. البته موسسات دارایی‌های نامشهود را هم از آن می‌کاهند تا ارزش ویژه دارایی‌های مشهود به دست آید. آنگاه سود خالص (پس از وضع مالیات) را بر ارزش دارایی‌های مشهود که به شرح بالا به دست آمده تقسیم کرده حاصل را بازده ارزش ویژه یا بازده حقوق صاحبان سهام نامیده است.

از نقطه نظر صاحبان سهام این نسبت اهمیت بسیاری دارد. بطور کلی عده‌ای عقیده دارند بازده صد در صد را برای ارزش ویژه می‌توان قابل قبول دانست زیرا سود سهام و رشد سرمایه در گردش را تا حدودی تامین می‌نماید. مسلماً تورم به تناسب افزایش شاخص هزینه زندگی و یا در واقع کاهش قدرت خرید پول از اعتبار این ضابطه می‌کاهد.

۵- درصد تغییر سود:

این نسبت تغییرات سود را نسبت به سال ما قبل خود مورد سنجش قرار می‌دهد. نکات مهم در این نسبت یکی از انتخاب یک سال به عنوان مبنا برای تهیه گزارش می‌باشد که انتخاب این مبنا بیشتر با مشورت مدیریت صورت می‌گیرد، دوم تاثیر عواملی چون تورم بر سود در سالهای متمادی می‌باشد که این نسبت این عامل را دخیل نمی‌کند پس می‌توان به عنوان یک محدودیت برای این نسبت در نظر گرفت.

۶- بازده سرمایه در گردش:

می‌دانیم سرمایه در گردش ما به التفاوت دارایی جاری و بدهی جاری اطلاق می‌شود و حاکی از مبلغی است که می‌توان آن را برای تامین هزینه‌های روزمره و همچنین تهیه مواد اولیه و کالا مورد استفاده قرار داد. این نسبت از تقسیم سود خالص (قبل از وضع مالیات) بر سرمایه در گردش به دست می‌آید. این نسبت دلالت بر انتفاعی می‌کند که از گردش سرمایه جاری حاصل می‌شود. همچنین این نسبت رابطه سود را با سرمایه در گردش نشان می‌دهد. افزایش این نسبت نشان دهنده کمبود سرمایه در گردش است.

۷- بازده دارایی ثابت:

این نسبت از تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات بر جمع دارایی‌های ثابت به دست می‌آید. این نسبت نشان می‌دهد که مجموع دارایی‌های ثابت که در اختیار شرکت بوده چه بازدهی برای شرکت داشته و بطور کلی برای اندازه گیری عملکرد عملیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مجموع بازده دارایی ثابت بالاتر نشان می‌دهد، که یک شرکت بطور موثر از دارایی‌ها ثابت برای کسب درآمد استفاده کرده است.

۸- بازده سرمایه گذاری بلند مدت:

بازده سرمایه گذاری بلند مدت از تقسیم درآمد حاصل از سرمایه گذاری بر سرمایه بلند مدت به دست می‌آید.

ه) نسبت‌های ارزیابی:

نسبت‌های ارزیابی در واقع برای ارزیابی واحد تجار از دیدگاه سرمایه گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نسبت‌ها در کنار هم تصویری از ارزش واحد برای سرمایه گذاران فراهم می‌کند.

۱- سود هر سهم (EPS):

نسبت سود هر سهم از تقسیم سود خالص بر تعداد سهام شرکت به دست می‌آید. این نسبت نشان دهنده سودی است که شرکت در یک دوره مشخص به ازای یک سهم عادی به دست آورده است و عموماً مورد توجه سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی می‌باشد و اغلب برای ارزیابی سودآوری و ریسک مرتبط با سود و نیز قضاوت در خصوص قیمت سهام استفاده می‌شود. افزایش سود هر سهم منجر به افزایش قیمت سهام خواهد شد. روند کاهش سود هر سهم در دوره‌های مالی به معنای عملکرد نامطلوب مدیریتی بوده و مدیران شرکت می‌بایست سیاست‌ها و خط مشی‌های مدیریتی را تا حدی تعدیل و دست خوش تغییرکنند تا منتج به بهبود کارایی و عملکرد شود و عملکرد شود و نتایج حاصل از این عملکرد در نسبت‌های سودآوری انعکاس یابد. هر چه سود عایدی هر سهم افزایش یابد ثروت سهامداران افزایش می‌یابد.

۲- جریان نقدی هر سهم:

برای محاسبه جریان نقدی هر سهم، وجوه نقد حاصل از عملیات شرکت را بر تعداد سهام شرکت تقسیم می‌نمایند. این نسبت نشان می‌دهد که به ازای هر سهم چند ریال وجه نقد بطور خالص وارد شرکت شده است.

۳- بازده نقدی دارایی:

برای محاسبه بازده نقدی دارایی‌ها، وجوه نقد حاصل از عملیات شرکت را بر میانگین جمع دارایی‌های شرکت تقسیم می‌نمایند. این نسبت نشان می‌دهد که به ازای هر یک ریال دارایی‌های شرکت افتاده بهتری شده است.

۴- توان پرداخت سود نقدی (OI)

این نسبت از تقسیم وجوه نقد حاصل از عملیات بر سود خالص عملیاتی به

دست می‌آید. این نسبت در وع برآوردی از کیفیت سود شرکت است. این نسبت توان پرداخت سود نقدی به سهامداران شرکت را نشان می‌دهد.

شاخص ورشکستگی آلتمن:

شاخص ورشکستگی آلتمن که برای پیش بینی ورشکستگی یک شرکت به کار می‌رود از مجموع پنج نسبت مالی به شرح زیر به دست می‌آید.

۱- نسبت سرمایه در گردش به دارایی X1

این نسبت از تقسیم سرمایه در گردش به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید.

۲- نسبت سود انباشته به دارایی X2

این نسبت از تقسیم سود انباشته بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید.

۳- بازده دارایی‌ها X3

بازده دارایی از تقسیم سود خالص قبل مالیات بر میانگین جمع دارایی‌ها

ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید.

۴- نسبت سرمایه به بدهی X4

این نسبت از تقسیم حقوق صاحبان سهام به جمع بدهی‌ها به دست می‌آید.

۵- نسبت فروش خالص به دارایی‌ها X5

این نسبت از تقسیم فروش خالص شرکت به جمع دارایی‌های شرکت به

دست می‌آید. شاخص ورشکستگی آلتمن که به Z آلتمن نیز معروف است از

طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$Z = 0,998X5 + 0,42X4 + 3,107X3 + 0,847X2 + 0,717X1$$

عدد به دست آمده از معادله فوق (که Z آلتمن نام دارد) در هر سال با این

شرایط ارزیابی می‌گردد:

در شرکت‌های تولیدی اگر شاخص کوچکتر از $1/23$ باشد احتمال ورشکستگی یا مشکلات مالی بسیار زیاد است. اگر عدد شاخص بزرگتر از $2/9$ باشد امکان ورشکستگی یا به وجود آمدن مشکلات مالی کم است و در غیر این موارد شاخص در حد میانه و در منطقه بحرانی است.

در شرکت‌های خدماتی اگر شاخص کوچکتر از $1-1$ باشد احتمال ورشکستگی یا مشکلات مالی بسیار زیاد است. اگر عدد شاخص بزرگتر از $2/6$ باشد امکان ورشکستگی یا به وجود آمدن مشکلات مالی کم است و در غیر این موارد شاخص در حد میانه است.

محدودیت‌های تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی:

نسبت‌های مالی به دلیل سادگی محاسبه و سهولت استفاده از آن بطور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند، به علاوه مطالعه این نسبت‌های مالی اطلاعات بهتر از ارقام گزارش شده به دست می‌دهد به هر حال استفاده کنندگان از صورت‌های مالی باید هشیار باشند که محدودیت‌های نسبت‌های مالی ممکن است گهگاه وضعیت مالی را بهتر از آنچه هست یاد بدتر از آنچه هست جلوه دهد. **اهم محدودیت‌های نسبت مالی به شرح زیر است:**

۱- در مقایسه نسبت‌های مالی سازمان‌های مختلف باید به وجوه تفاوت در رویه‌های حسابداری توجه شود و در صورت نیاز اطلاعات حسابداری برای تعدیل ایت تفاوت همسنگ گردد.

۲- اغلب اطلاعات حسابدای جدای از وجود رویه‌های متفاوت بر مبنای قضاوت برآورد تخصیص‌های مختلف است که مبتنی بر برداشت‌های ذهنی و فاقد قابلیت اتکای لازم است و نسبت‌های مالی در مقابل اتخان رویه‌های متفاوت حسابداری بسیار حساس‌اند.

۳- اطلاعات مورد استفاده در نسبت‌های مالی اغلب بر مبنای ارزش‌های تاریخی است که کارایی نسبت‌ها را شدیداً کاهش می‌دهد.

۴- نسبت‌های مالی جنبه‌های متفاوتی از فعالیت‌ها را در یک زمان مشخص نشان می‌دهد نسبت‌ها همانند یک نقطه در یک مسیر طولانی هستند در حالی که سازمان‌ها در یک محیط پویا بطور مداوم مشغول فعالیت هستند بدین ترتیب بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی در چرخه عملیاتی قضاوت راجع به نسبت‌ها ممکن است گمراه کننده باشد.

در خاتمه تجزیه و تحلیل نسبت‌ها یکی از انواع روش‌های متدوال در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی است و ارزیابی درست از شرایط اقتصادی و پتانسیل‌های آتی بایستی با توجه به تمامی متغیرهای موجود درک شود.